

راهکارهای عملی نهاده‌سازی فرهنگ حجاب در جامعه اسلامی

جابر میرزاپوری*

چکیده

هدف از این مقاله که از روش اسنادی و تکنیک فیش‌برداری برای جمع‌آوری داده‌های آن استفاده شده، ارائه راهکارهای عملی نهاده‌سازی فرهنگ حجاب در جامعه اسلامی است. بررسی‌ها حاکی از آن است که حجاب پدیده‌ای اجتماعی است که تحت تأثیر عوامل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اقلیمی قرار دارد. برای تحقق عینی پدیده حجاب به‌عنوان واقعیتی اجتماعی، باید توافق عمومی در سطح باور، ارزش، هنجار و نماد در جامعه ایجاد شود. هنجارمندی و نهاده‌سازی فرهنگ حجاب به‌عنوان ارزش اجتماعی، به آن بستگی دارد که این مقوله به‌عنوان یک باور عمومی مورد توافق اعضای جامعه قرار گیرد. نهاده‌سازی حجاب نیازمند برونی‌سازی، عینیت‌سازی و درونی‌سازی «بینش و آگاهی» حجاب اسلامی

*. دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) - mirzapouri_j@yahoo.com

در افراد جامعه است. آموزش و معرفت‌افزایی فواید و کارکرد حجاب موجب شکل‌گیری فشار درونی در افراد برای رعایت الگوی حجاب خواهد شد. همچنین، نظارت‌های عمومی و قانونی منجر به فشار بیرونی برای ترغیب افراد به پیروی از الگوی حجاب می‌گردد. بهره‌گیری از توانمندی ابزارهایی مانند رسانه‌های جمعی، نظارت قانونی، نهادهای آموزشی نظیر خانواده، مدرسه و دانشگاه و به‌کارگیری روش‌ها و تکنیک‌هایی همچون اشاعه فریضه امر به معروف و نهی از منکر، هنر و امثال آن، موجب ارزش‌گذاری و قاعده‌مندی حجاب در جامعه می‌شود که در نهایت، به عینیت‌بخشی، درونی‌سازی و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب منجر می‌گردد. هرگونه کنترل و تغییر الگوی حجاب در جامعه، نیازمند هماهنگی منسجم و پویا میان نهادها و سازمان‌های فرهنگی است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، حجاب، نهادینه‌سازی، فشار درونی، فشار اجتماعی

مقدمه

پوشش، به‌عنوان یک نماد فرهنگی، حاصل آموخته‌ها و اندوخته‌های بشری است که طی فرایندهای اجتماعی به افراد منتقل می‌شود. پوشش، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی تاریخ‌مند، تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند مذهب، سیاست، اقتصاد، زیست بوم و نظایر آن قرار دارد که در مکان‌ها و زمان‌های مختلف اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. پوشش می‌تواند بسیاری از علایق، سلايق، باور، وقایع و لایه‌های پنهان فرهنگ ملتی را بازگو کند. با تحلیل و واکاوی پوشش می‌توان به دلایل و زمینه‌های تاریخی، اعتقادی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و... مؤثر بر پوشش دست یافت.

جامعه به‌مثابه یک سیستم، محصول تأثیر و تأثر خرده سیستم‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. تغییر در یک جزء موجب تغییر در اجزای دیگر و درنهایت، کل جامعه خواهد شد (ریتزر، ۱۳۸۷: ۱۳۳). رویکرد سیستمی نشان می‌دهد که چرایی و چگونگی شکل‌گیری پوشش، قابل تقلیل به چند علت محدود نیست. هرگونه تغییر در وضعیت پوشش جوامع، نیازمند

برنامه‌ریزی‌های منسجم و درازمدت است؛ ازاین‌رو آن‌هایی که به دنبال روش‌های سلبی و ایجابی زودبازده برای تغییر پوشش هستند، باید به این نکته توجه کنند که پوشش پدیده اجتماعی تاریخ‌مندی است که تحت تأثیر متغیرهای مختلف اجتماعی بوده و برای تغییر این پدیده باید بسیاری از متغیرها دستکاری شوند. کنترل و تغییر هوشمند، منسجم و هماهنگ میان متغیرها و خرده سیستم‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند مسیر شکل‌گیری پوشش موردنظر و آرمانی جامعه را تسریع و تسهیل بخشد.

وضعیت پوشش به همراه گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن، به دلیل مهاجرت‌های گسترده، ورود زنان به عرصه‌های گوناگون اجتماعی، شکل‌گیری مشاغل جدید، توسعه دانشگاه‌ها و تغییر فرایندهای آموزشی، توسعه رسانه‌های جمعی، ماشینی شدن و زندگی شهری، گستردگی معارف مرتبط با کثرت‌گرایی و نظایر آن، موجب شد تا پوشش با تغییرات اساسی همراه گردد. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و ورود اسلام به فرایندهای سیاسی و فرهنگی جامعه ایران، معیار شکل‌گیری جامعه آرمانی تغییرات محسوسی کرد. اسلام

چه متغیرها و زمینه‌هایی تأثیر می‌پذیرد؟ چگونه می‌توان به متغیرها و عوامل مؤثر بر نهادینه‌سازی حجاب اسلامی در جامعه ایران تأثیر گذاشت؟ موانع و تنگناهای نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب در ایران چیست؟ چه راهکارهای عملیاتی برای نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب در جامعه ایران وجود دارد؟ نهادهایی نظیر حوزه و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چگونه در نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب تأثیر می‌گذارند؟

چیستی حجاب

«حجاب» در لغت به معنای پوشش، پرده، منع و آنچه میان دو چیز واقع شود، به کار رفته است. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۴۶۸). حجاب در اسلام به معنای نوعی پوشش خاص است که زن، بدن و زیبایی‌های خود را در مقابل مردان نامحرم پوشیده نگه دارد (دهخدا، ۱۳۶۵، ج ۱۷: ۱۴). حجاب اسلامی به منزله حفاظی ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم قلمداد می‌شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و از همه مهم‌تر امنیت اجتماعی را فراهم می‌کند (سلطانی رنانی، ۱۳۸۳: ۶۴). در زبان عربی به ابرو حجاب می‌گویند، زیرا پرده و مانعی است برای چشم در برابر شعاع

تنها مرجع و معیار ارزش و هنجار در پوشش به‌شمار می‌آید که تمام توانمندی‌ها و امکانات آموزشی و فرهنگی خود را برای جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی حجاب اسلامی به کار گرفته است.

با گذشت بیش از سه دهه از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و فعالیت‌های چشمگیر نهادها و سازمان‌های گوناگون آموزشی، فرهنگی و سیاسی، برای نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب در جامعه، هنوز موانع، تنگناها و چالش‌های اساسی برای این موضوع وجود دارد. امروزه تهاجم فرهنگی با گسترش انواع معارف و بینش‌های فکری و اجتماعی می‌کوشد باور جوامع اسلامی، به‌ویژه ایران اسلامی را درباره فرهنگ حجاب تغییر می‌دهد، تا از راه فرهنگ مهاجم بتواند در عرصه‌های دیگر فرهنگی نفوذ کند.

اهمیت و ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب موجب شده است که این موضوع به دغدغه و مسئله‌ای اساسی برای مسئولان و مدیران فرهنگی کشور در سال‌های اخیر تبدیل شود. از مهم‌ترین ابهام‌ها و پرسش‌های مطرح‌شده در چرایی و چگونگی نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب این است که حجاب در جامعه ایران از

واجب نیست. همچنین، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و نیز لباس‌های زینتی اشکال دارد (بنی‌هاشمی ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۴۱۷ و ۴۲۱).

اهداف تشریح حجاب در اسلام

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام قرب الهی است که با تزکیهٔ نفس و تقوا به دست می‌آید (حجرات: ۱۳). امیر مؤمنان علی علیه السلام شرط رسیدن به خوشبختی را به پیروی افراد از قواعد و انتظارات اسلام منوط می‌دانند (خطبهٔ ۱): اگرچه تمایل به پوشش امری فطری با هدف حفظ عفت بوده و بسیاری از ادیان بر سوق دادن انسان به رعایت و حفظ پوشش تأکید ورزیده‌اند (شوکتی و حاجی قاسملو، ۱۳۹۰: ۱۰۵)، ولی هدف اسلام از تشریح وجوب حجاب، دستیابی به تزکیهٔ نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. حجاب اسلامی زمینه‌ساز آرامش و سلامت اجتماعی برای ایجاد جامعه‌ای امن و سالم است. خدای متعال در آیهٔ ۵۹ سورهٔ احزاب، علت و فلسفهٔ ضرورت حجاب را «شناخته نشدن و مورد اذیت واقع نشدن»^۱ می‌داند. خداوند در قرآن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خطاب می‌کند که به مردان و زنان

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ».

۲. «ذَلِكَ آدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِينَ».

خورشید. به دربان نیز حاجب گفته می‌شود، چراکه مانع از ورود می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ص ۲۹۸ و ۲۹۹). در واقع، حجاب مانع ملاقات طرفین از راه حس لامسه و باصره است. این اصطلاح در ادیان و فرهنگ‌های مختلف مصادیق متعددی را به ذهن متبادر می‌کند و هر جامعه‌ای از آن برداشتی دارد (دزی، ۱۳۵۹: ۱۲۹). حجاب در اسلام به مثابه نوعی پوشش است که با آن مردان و زنان، ضمن پنهان نمودن زیبایی‌های بدن، خود را از نگاه‌ها و وسوسه‌های شیطنانی مصونیت می‌بخشند.

حجاب اسلامی

حجاب در اسلام به معنای پوشش اسلامی بانوان است که دو بُعد ایجابی و سلبی دارد. بُعد ایجابی آن وجوب پوشش بدن، و بُعد سلبی آن حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. تحقق حجاب اسلامی به باهم بودن این دو بُعد در کنار یکدیگر بستگی دارد؛ گاه ممکن است بُعد اول بدون بُعد دوم وجود داشته باشد، ولی حقیقت حجاب اسلامی تحقق نمی‌یابد. حجاب از نظر اسلام این‌گونه است که زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، ولی پوشاندن صورت، دست‌ها و پاها از مچ به پایین

تمام قوای اجتماعی برای نفع‌رسانی و لذت‌گرایی انسان شده است، لیبرالیسم نیز با القای آزادی افراطی انسان در جامعه، او را از قیدوبند بسیاری از قواعد و هنجارهای اجتماعی در جامعه رها کرده است. این مبانی معرفتی شاکله افکار اجتماعی و فهم عمومی انسان مدرن را به‌گونه‌ای سامان داده که دیگر توجه خاصی را در پیروی از هنجارهای متعهدانه اجتماعی نظیر پوشش مناسب برای خود احساس نمی‌کند (میرزاپوری، ۱۳۹۴: ۸۷).

توسعه چنین معارفی همراه با تحولات اجتماعی دیگر نظیر شهرنشینی، مهاجرت، صنعتی شدن، گسترش رسانه‌های جمعی، توسعه آموزش عالی و... تأثیرات شگرفی بر فرهنگ حجاب گذاشت. این تحولات، عقلانیت ابزاری را برای انسان مدرن به ارمغان آورد که نتیجه آن نوعی تک‌روی یا فردمحوری در نحوه پوشش شده است. چنین عقلانیتی دیگر خواهان توصیه‌ها و الگوهای مفسران و صاحب‌نظران اسلامی نیست و به برداشت فکری و منفعت‌های لحظه‌ای خویش در پوشش اکتفا می‌کند. چنین عقلانیتی، که محصول بحران توسعه متکثر معارف متعدد بشری و گسترش رسانه‌های جمعی است،

با ایمان فرمان دهد تا برای پاسداشت پاکی‌ها و فضایل و رسیدن به کمال، نگاه‌های خویش را از نامحرم فروکاهند و دامان (عورت) خویش را بپوشانند (حق‌شناس، ۱۳۸۶: ۵۱).

حساسیت اسلام برای حفظ حجاب، محفوظ ماندن انسان از آفات و شرفتنه‌انگیزان و شهوت‌پرستان است. مهم‌ترین اهداف تشریح پوشش در اسلام عبارت‌اند از:

۱. حفظ کرامت انسانی زن
۲. جلوگیری از انحطاط شخصیت زن و فروغلتیدن او در چاه ارضای غرایز
۳. استحکام بخشیدن به پیمان مقدس زناشویی و تحکیم بنیان‌های خانواده
۴. حفظ سلامت اجتماع (همان: ۹۸)

موانع و چالش‌های نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب

جهان مدرن انسان را با تحولات معرفتی و جریانات فکری گسترده‌ای نظیر سکولاریسم، اومانیسم، لیبرالیسم و دیگر مکتب‌های فکری همراه کرده است. سکولاریسم با فراخوانی مذهب به عرصه خصوصی، قدرت و توان مذهب را در ایجاد تعهد اجتماعی کاهش داده، اومانیسم با محور قرار دادن انسان، خواستار سوق‌دهی

در بردارنده شناختی متقاطع، سطحی‌نگری، نامنسجم و مبهم است. این روند موجب شکل‌گیری زمینه‌هایی برای بدحجابی در ایران شده که عبارت‌اند از:

۱. اتخاذ رویکرد مادی‌گرایی، تمایزطلبی، استقلال‌طلبی، فردگرایی و لذت‌محوری در جامعه

۲. برخورد هیجانی، قهری و غیرکارشناسانه مراجع نظارتی و قانونی با موضوع بدحجابی

۳. تهاجم فرهنگی و ترویج معارف غیراسلامی در رسانه‌های جمعی، از جمله ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و ...

۴. دین‌گریزی و افول دین‌داری به همراه غلبه هوای نفس

۵. تضعیف مرجعیت سنتی و نهادی مذهب و تقویت فردیت مدرن

۶. نداشتن سبک زندگی کارآمد، صریح و منطبق با موقعیت‌های گوناگون اجتماعی

۷. درونی‌سازی برخی رویکردهای غلط میان مردم، مانند رابطه میان عریانی و توسعه

۸. توسعه جریان‌های فکری و اجتماعی مخالف حجاب اسلامی، مانند فمینیسم

۹. الگوگیری نامناسب فرهنگی، مانند الگو بودن ورزشکاران و ...

۱۰. شناخت نداشتن صحیح از جهان‌بینی

اسلامی

۱۱. ناهماهنگی میان نهادهای جامعه‌پذیر، مانند خانواده، آموزش و پرورش، رسانه و ...

۱۲. حضور زنان در عرصه اجتماعی و نیازمندی آن‌ها به عزت و احترام اجتماعی، که عریانی در برخی موقعیت‌ها واجد ارزش و احترام است (امامی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۶۶-۴۷۱)

مراحل نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب

پوشش یکی از راه‌های زیستن در جامعه است که بشر آن را طی فرایندهای اکتسابی و از راه نیازمندی‌های اولیه در اجتماع به دست می‌آورد. منظور از اکتسابی بودن آن است که ویژگی‌های فرهنگی از طریق محیط‌های اجتماعی، نه از راه وراثت، به انسان‌ها انتقال می‌یابد و بشر آن‌ها را از راه فرایندهای جامعه‌پذیری و محیط پیرامون خود کسب می‌کند. بنابراین، نهادینه کردن فرهنگ حجاب به کسب آگاهی، شناخت با هدف درونی‌سازی باور به حجاب، و بیرونی‌سازی قواعد منطبق بر حجاب اسلامی نیازمند است.

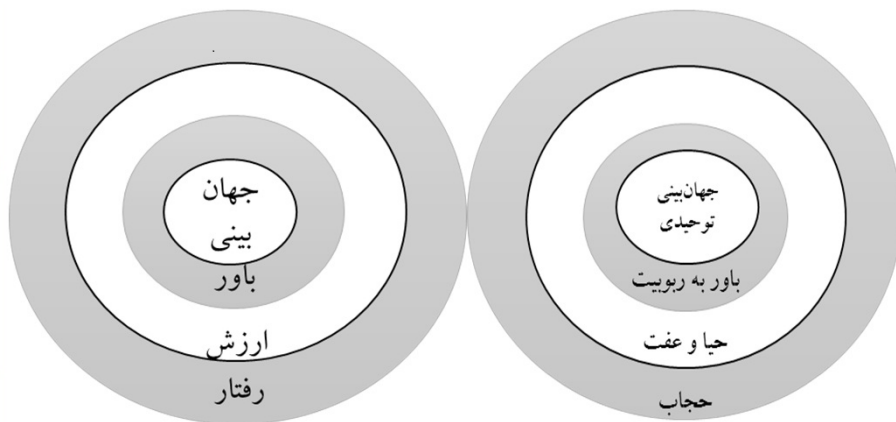
منظور از نهادینه‌سازی حجاب، پایه‌ای و ریشه‌ای شدن آن در عمق جامعه به همراه مقبولیت و به رسمیت شناخته شدن ارزش‌ها

و نماد واجد وجوه ذهنی و اعتباری تشکیل شده است. «باور» پایه و اساس قضاوت دربارهٔ خوب‌ها و بدهاست که به ارزش‌ها مشروعیت می‌بخشد؛ «ارزش» توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش هنجارها (بایدها و نبایدها) می‌باشد؛ «نماد» نیز نماینده و تجلی هنجارهاست که در رفتار و کنش اجتماعی عینیت می‌یابد. ازسوی دیگر، با تحلیل کنش و نمادهای مرتبط با حجاب، می‌توان هنجارها را تشخیص داد. «هنجارها» نیز می‌توانند ارزش‌ها را بیان کنند و ارزش‌ها نیز بیانگر باورها هستند. در این رویکرد، حجاب نمود بیرونی باورهای شخص است.

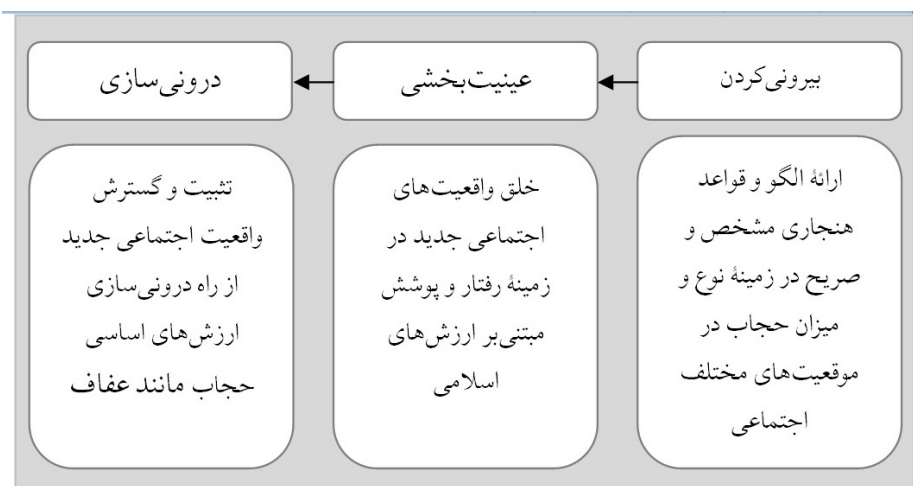
و هنجارهای مرتبط با حجاب است (گلابی، ۱۳۷۶: ۹۹). نهادینه شدن، نوعی فرایند منظم، بادوام و پیش‌بینی‌شده است که می‌تواند رویکردی اجتماعی را در میان افراد جامعه درونی کند (خضرنجات، ۱۳۶۹: ۸۱). درواقع، به فراهم آوردن زمینه‌ها و موقعیت‌ها در جامعه که موجب ثبات، پایداری، استمرار و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب می‌گردد نهادینه کردن گویند (سلطانی تیرانی، ۱۳۷۸: ۸۹).

مرحله بیرونی کردن و عینیت‌بخشی حجاب اسلامی

حجاب پدیده‌ای اجتماعی است که از چهار سطح مفهومی باور، ارزش، هنجار



از آنجاکه حجاب واقعیتی اجتماعی است و به دو صورت عینی و ذهنی وجود دارد، هرگونه تلاش برای فهم و تغییر آن باید با تأکید بر هر دو جنبه آن صورت پذیرد. این دو جنبه زمانی شناخته خواهند شد که در جامعه به صورت فرایند مستمر دیالکتیکی در سه مرحله بیرونی کردن، عینی کردن و درونی کردن درک شود (برگر و لاکمن، ۱۹۶۷: ۱۴۹). در این رویکرد، شیوه اجتماعی شدن افراد با مقوله حجاب باید با آموزش پذیری و جامعه پذیری مستمر صورت پذیرد. در فرایند بیرونی شدن و عینی کردن، باید هنجارها و قواعد مربوط به آن را دستگاهها و نهادهای گوناگونی نظیر خانواده، مدارس، دانشگاه و رسانه های جمعی در جامعه ترویج دهند. مرحله درونی کردن، ناظر بر فرایندی است که افراد طی دوره های گوناگون ارزش حجاب و قواعد آن را یاد می گیرند و نسبت به عمل در چهارچوب های مشخص متعهد می شوند.

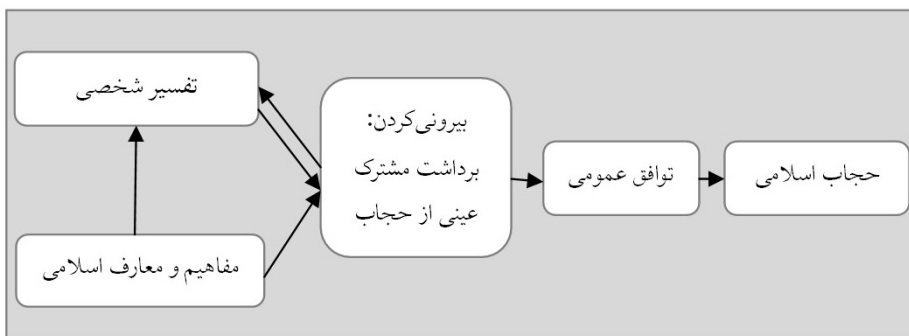


نمودار شماره ۲: مراحل فرایند نهادی کردن

منظور از بیرونی کردن، عمل آگاهانه ارسال و صادر کردن جنبه های ذهنی یک ایده یا عمل فردی به خارج از خود است. حجاب دارای جنبه ذهنی (برداشت خصوصی و فردی) و عینی (برداشت های مشترک، عمومی و خارج از ذهن تک تک افراد)

شرعی افزایش یابد، امکان هنجارمندی افراد در قالب قواعد شرعی بیشتر خواهد شد. لازمه اشتراک معانی افراد در موضوع حجاب، توافق آنان در نحوه و میزان و به عبارتی، چرایی و چگونگی حجاب در جامعه است که جز با بیان احکام و معارف زلال اهل بیت علیهم‌السلام و فرهنگ ناب شیعه امکان‌پذیر نیست. شاهد این ادعا در کلام مبارک امام رضا علیه‌السلام نهفته است که می‌فرماید: «اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را می‌دانستند از ما پیروی می‌کردند» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۳: ۲۷۵).

می‌باشد. درک افراد از حجاب هم تفسیر شخصی و خصوصی و همچنین واجد ادراک و فهم مشترک عمومی است. هر چقدر افراد بتوانند ادراک عمومی از حجاب را بر تفسیر شخصی غالب نمایند، در بیرونی کردن و عینی نمودن آن در جامعه موفق‌تر خواهند بود. لازمه بیرونی کردن حجاب و خروج از تفسیرهای شخصی از حجاب، جایگزین کردن برداشت‌ها و معانی مشترک از شرع بر برداشت‌های شخصی است. هرگاه بیرونی کردن به همراه اشتراک افراد در معانی و تفاسیر



نمودار شماره ۳: بیرونی کردن و توافق عمومی حجاب

مرحله درونی‌سازی گام می‌نهند و همگام با توافق ذهنی به عمل در چهارچوب انتظارات عمومی حجاب ترغیب خواهند شد. یکی از دلایل رعایت نکردن حجاب

مرحله درونی کردن حجاب اسلامی فرایند درونی کردن پس از مرحله بیرونی کردن شکل می‌گیرد. هرگاه افراد معانی و معارف حجاب را بپذیرند، درواقع، به

راهکارهای عملی نهادینه‌سازی فرهنگ

حجاب

نهادینه کردن حجاب در جامعه با تدارک و فراهم آوردن زمینه‌هایی همراه است که موجب پایداری، ثبات، تداوم و گسترش رفتارهای مطلوب در پوشش و معاشرت در جامعه می‌شود. راهکارهای عملیاتی نهادینه‌سازی حجاب به مجموعه‌ای از روش‌های اجرایی برای درونی‌سازی و عمق‌بخشی ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با پدیده حجاب در میان افراد جامعه اطلاق می‌شود. در ادامه به بررسی مهم‌ترین راهکارهای عملی نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب در ایران می‌پردازیم:

آموزش و جامعه‌پذیری

تربیت و آموزش با هدف جامعه‌پذیری افراد، یکی از ارکان مهم نهادینه‌سازی حجاب در جامعه است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه در عهدنامه انتصاب مالک اشتر به فرمانداری مصر، یکی از زمینه‌های رسیدن به توسعه پایدار جامعه را «تربیت و آموزش افراد جامعه برای رسیدن به اهداف و ساختار حکومتی» بیان فرموده‌اند. امام در این نامه توصیه به «تربیت و آموزش» را مقدم بر آبادانی سرزمین قرار دادند که نشان

مشترک نبودن مفهوم آن در بین عموم مردم است. گسترش مفاهیم و معارف دریافتی از رسانه‌های دیداری و شنیداری موجب شده است که جامعه ایران در معرض انواعی از رویکردها و دیدگاه‌های مختلف در زمینه حجاب قرار گیرد و نهادهای فرهنگی را در ایجاد فهم مشترک در رابطه با حجاب تضعیف کنند. امروزه اینترنت، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی، کتب، مجلات و دیگر ابزار عصر اطلاعات، به دلیل آنکه غالباً از فرهنگ غیراسلامی پیروی می‌کنند، موجب غلبه برداشت‌های شخصی بر برداشت‌های عمومی از حجاب می‌شوند. برای بیرونی کردن حجاب و ایجاد توافق عمومی برای رعایت حجاب راهکارهای عملی زیر پیشنهاد می‌شود:

- استفاده از معارف اسلامی

- ترویج بخشی از فرهنگ ایران باستان که پیش از اسلام نیز دارای حجاب و پوشش مناسب بوده‌اند

- ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

- تقویت حس غیرت در میان مردان

نفس، باور و بینش مردم را به حفظ حجاب تغییر دهد (تحریم: ۱۲؛ آل‌عمران: ۴۲؛ انبیاء: ۹۱). این کتاب آسمانی برای نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب در سوره‌های اعراف و طه، ابتدا از مکانیزم شناختی و بیان پایه‌های معرفتی برای ارائه و تبیین اصول اعتقادی حجاب استفاده کرده است (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۸). امروزه جریان‌های فکری و فرهنگی زیادی می‌خواهند از راه‌های گوناگونی حجاب را مانع توسعه و رشد جامعه، به‌ویژه نقش اجتماعی زنان، مطرح کنند و در فرهنگ عمومی نهادینه سازند.

قاعده‌مندی و الگودهی

«آنومی» وضعیتی است که در آن هنجارهای اجتماعی بدون کارایی و تأثیر لازم بر رفتار اجتماعی باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۰). توسعه بی‌هنجاری یا اختلال در قواعد حجاب، یکی از دلایل گسترش بدحجابی در جامعه است. در وضعیت بی‌هنجاری، قواعد مشخص و صریحی برای رعایت حجاب برای افراد در موقعیت‌های گوناگون وجود ندارد (میرزاپوری، ۱۳۹۴: ۸۴). این روند، شکل‌گیری پدیده حجاب در جامعه را دچار چالش می‌کند، به‌طوری که افراد برای پیروی از قواعد

می‌دهد بدون آن جامعه توسعه نخواهد یافت (نامه ۵۳). انسان از تولد تا مرگ در حال درونی‌سازی آموخته‌ها و منطبق کردن خود با نیازمندی‌های فرهنگ و اجتماع است. نهادها و سازمان‌هایی نظیر آموزش و پرورش، روحانیت، مدرسه، حوزه و دانشگاه و دیگر نهادهای غیررسمی، مانند خانواده و گروه همسالان، در این فرایند تعیین‌کننده‌اند.

معرفت‌افزایی

فرایند «مکانیزم شناختی» با سرعت کم‌تری در نهادینه‌سازی یک رفتار در جامعه عمل می‌کند، ولی از بقا و ثبات بیشتری برخوردار است (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۴). ترویج فرهنگ حجاب مبتنی بر شکل‌گیری باور و معرفت می‌باشد، امروزه نیز جامعه بیش‌ازپیش به این فرهنگ نیازمند است؛ زیرا نیاز طبیعی و فطری بشر بوده و برای رشد فردی و اجتماعی در افکار عمومی مانعی به‌وجود نمی‌آورد. خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه و دیگر نهادهای فرهنگی آموزش‌محور، در تحکیم پایه‌های شناختی افراد در جامعه نقش مؤثری دارند. قرآن کریم نیز با ارائه داستان‌های گوناگون می‌کوشد با بیان عواقب بی‌حجابی و پیروی از هوای

حجاب به سردرگمی و بی‌رغبتی دچار می‌شوند. در چنین شرایطی، هنجارهای حجاب توان کافی برای وادارکردن افراد به رفتار در قالب قواعد حجاب را ندارند، چراکه هنجارها ناپایدارند و برخی از آنها در تضاد با یکدیگر هستند.

بی‌هنجاری، وضعیتی را ایجاد می‌کند که در جامعه مبنای مشخصی برای رعایت قواعد حجاب وجود ندارد، در برخی مکان‌ها افراد محجبه و در برخی محافل افراد بدحجاب احترام گذاشته می‌شوند. این تناقض میان انتظارات اجتماعی، در انجام دادن رفتار در قالب قواعد حجاب، افراد را دچار سردرگمی و چالش خواهد کرد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶: ۴۹).

ارزش‌گذاری

رغبت برای رعایت حجاب زمانی شکل خواهد گرفت که مقوله حجاب به‌عنوان ارزش در جامعه ترویج یابد و افراد محجبه الگوی اجتماعی عموم معرفی شوند. الگوگیری مردم، مسئولیت‌سنگینی را برای مسئولان و حاکمان جامعه برای حفظ رفتارشان در قالب الگوهای حجاب اسلامی ایجاد می‌کند. براین‌اساس، خداوند متعال تشریح احکام حجاب را از زنان پیامبر آغاز می‌کند (احزاب: ۳۲ و ۳۳) و عموم

مردم را به رعایت آن‌ها ملزم می‌نماید (احزاب: ۳۵).

نهادهای و سازمان‌های اجتماعی در ایجاد الگو و قاعده حجاب برای سوق‌دهی افراد به این مقوله، نقش بسزایی دارند. نهادهای سازمان‌های اجتماعی با کمک ابزارهای رسانه‌ای و نظارتی می‌توانند به بیرونی‌سازی و فراگیری باورها، ارزش‌ها و هنجارهای حجاب بپردازند. امید است که با استمرار، انعطاف‌پذیری، شکل‌دهی ارزش و معانی مشترک، ساختاری و غیرفردی بودن، الزام و اجبار و انحلال‌ناپذیری و ثبات، سرلوحه کار این نهادها و سازمان‌ها در نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب قرار گیرد (وزیری، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۸).

فشار اجتماعی

هرگاه حجاب ارزشی اجتماعی تلقی شود، هرگونه بدحجابی با فشار افکار عمومی و عرف روبه‌رو خواهد شد. فشار اجتماعی نسبت به بدحجابی زمانی در جامعه افزایش می‌یابد که بیشتر مردم حفظ حجاب را رفتاری پسندیده و بدحجابی را رفتاری زشت تلقی کنند. فشار اجتماعی با سرزنش افراد بدحجاب، به‌عنوان یک نیروی بازدارنده

تشکیل شده‌اند که هر یک کارکرد ویژه‌ای در نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب دارند. برخی از نهادها و سازمان‌ها با کارکرد معرفت‌افزایی و آگاهی‌بخشی و برخی دیگر با کارکرد نظارتی و فشار اجتماعی در درونی‌سازی و برونی‌سازی حجاب در جامعه نقش ایفا می‌کنند. نهادهایی مانند حوزه، دانشگاه و مدارس می‌توانند با تحلیل چرایی حجاب نقش بسزایی برای افزایش آگاهی و معرفت اعضای جامعه در زمینه فواید و کارکرد حجاب داشته باشند. روحانیون با انجام دادن امور تبلیغی و مشاوره‌ای، محققین با تولید آثار مکتوب و سخنرانان با تشریح نیازمندی جامعه به مقوله حجاب، می‌توانند همراه با دیگر مراجع نظارتی و قانونی در ترغیب به حفظ آن مؤثر باشند. شکل‌دهی چنین عقلانیتی، توسعه‌بخشی فشار درونی و بیرونی برای ترغیب افراد به حجاب به‌شمار می‌رود.

هماهنگی میان نهادها و سازمان‌ها

یکی از انتظارات بحق از نهادها و سازمان‌های علمی، آموزشی و فرهنگی، ارائه الگوها و قواعد رفتاری در موضوع حجاب است. این مراکز پیش از هر چیز باید برداشت و رویکرد

قوی به‌شمار می‌رود. افراد فشار اجتماعی را براساس تحلیل هزینه-پاداش، درک و تحلیل می‌کنند. هرگاه افراد احساس کنند که هزینه بدحجابی بیشتر از فواید آن است، برای حفظ حجاب و جاگیری در قالب انتظارات اجتماعی خواهند کوشید.

فشار اجتماعی (بیرونی) در کنار فشار درونی (باور) یکی از روش‌های نهادینه کردن فرهنگ حجاب در جامعه می‌باشد. فشار اجتماعی از راه ایجاد هزینه‌های بدحجابی، زمینه را برای رعایت حجاب توسعه می‌بخشد. در چنین شرایطی، افراد عقوبت بدحجابی در جامعه را هزینه‌بر می‌دانند و رعایت آن را همراه با پاداش درک می‌کنند. با امر به معروف و نهی از منکر، برخورد قانونی با بدحجابی، ارزش نهادن به افراد محجبه، طرد عمومی بدحجابی، شرط نهادن رعایت حجاب برای استخدام و نپذیرفتن ارباب‌رجوع‌های بدحجاب در ادارات و دیگر تکنیک‌ها، می‌توان فشار اجتماعی ایجاد کرد تا مردم برای رعایت حجاب ترغیب شوند.

نهادها و سازمان‌های فرهنگی

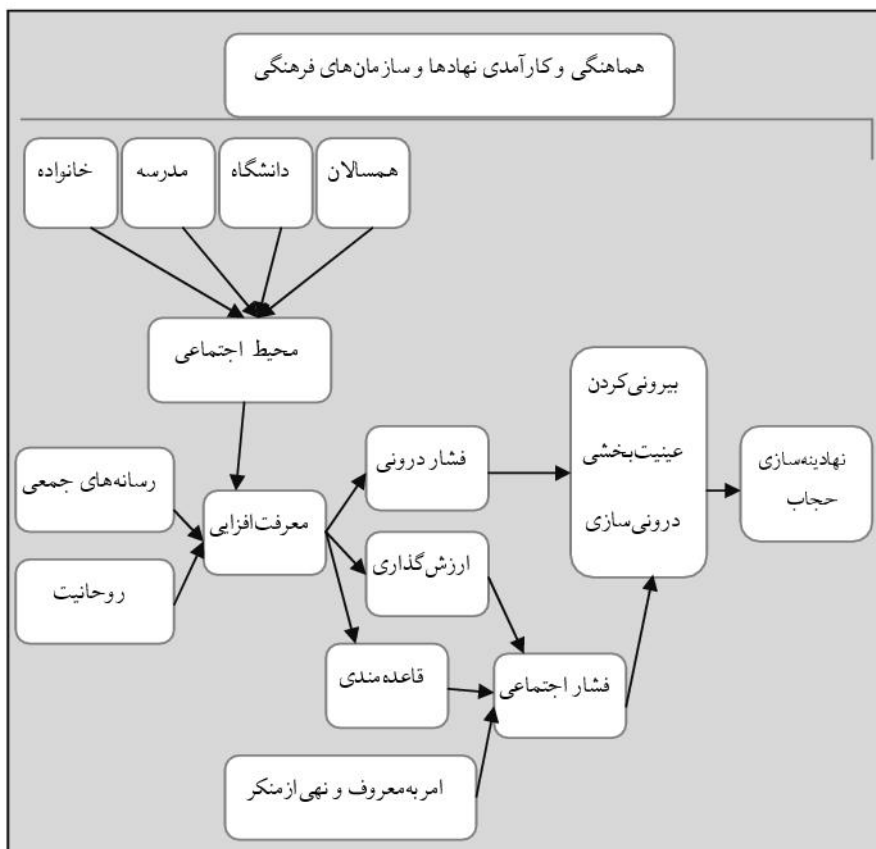
جوامع از نهادها و سازمان‌های گوناگونی

واحدی از فلسفه و قواعد حجاب در اختیار جامعه قرار دهند، توافق نداشتن در ارائه الگو موجب سردرگمی، تفسیر به رأی و درنهایت، انحراف بخشی از جامعه در رعایت الگوی حجاب اسلامی خواهد شد. رعایت صراحت، روشنی و منطبق بودن الگوها و قواعد حجاب با موقعیت امروز جامعه ایران، از ضروریات توفیق این دستگاه‌های فرهنگی است. همه این موارد به توافق و هم‌رأی بودن نهادهای گوناگون بستگی دارد، نه آنکه مراکز علمی مانند حوزه و دانشگاه الگویی را ارائه دهند، ولی نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای، مانند صدا و سیما، در قالب متفاوتی آن را به نمایش بگذارد. همچنین، نیاز است که رسانه ملی الگوی حجاب را تبلیغ و دستگاه‌های اجرایی آن را تقویت کند. از تکنیک‌هایی نظیر رعایت الگوی حجاب در استخدام، ترفیع و... برای افزایش رغبت در افراد استفاده کنند.

محیط پیرامونی

روابط اجتماعی و معاشرت با دیگران و

گروه‌های اجتماعی، یکی از راه‌های انتقال و درونی‌سازی عناصر فرهنگی به‌شمار می‌رود. افراد در فرایند جامعه‌پذیری و درونی‌سازی عناصر فرهنگی، از دیگران و محیط اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. دیگران می‌توانند به‌عنوان گروه‌های مرجع، نقش الگو را برای افراد داشته باشند (میرزاپوری، ۱۳۹۴: ۱۰۳). براین اساس، معاشرت و روابط اجتماعی نقشی مؤثر در تربیت و آموزش فرهنگی دارد. از این رو، آیات و روایات متعدد با ارائه قواعد گوناگون بر کنترل و تصحیح روابط اجتماعی مسلمانان تأکید می‌ورزند. امیرمؤمنان، علی علیه السلام در این زمینه، به انتخاب محیط اجتماعی برای زندگی عوامل مؤثر بر سبک زندگی اشاره می‌کند (نامه ۶۹). تعیین محیط اجتماعی برای رشد، تعلیم و تربیت، گروه همسالان و دیگر مقوله‌هایی که افراد به گونه‌ای در معاشرت با آن‌ها هستند، در جامعه‌پذیری حجاب مؤثر می‌باشند؛ بنابراین، شایسته است متولیان فرهنگی و والدین بر آن‌ها کنترل و نظارت ویژه‌ای داشته باشند.



نمودار شماره ۴: فرایند نهاده‌سازی فرهنگ حجاب در جامعه

بر اساس نمودار شماره ۴، محیط اجتماعی (همسالان، دانشگاه، مدرسه و خانواده)، رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، روزنامه، کتاب، شبکه‌های اجتماعی و... و روحانیت بر شکل‌گیری معرفت مرتبط با حجاب اسلامی تأثیرگذارند. شکل‌گیری چنین معرفتی در ایجاد ذهنیت و فشار درونی، ارزش‌گذاری فرهنگ حجاب در جامعه و قاعده‌مند نمودن الگوی آن مؤثر می‌باشند. هرگاه مقوله حجاب در جامعه ارزش محسوب گردد و عموم مردم رعایت چنین قاعده‌ای را از یکدیگر مطالبه کنند، فشار اجتماعی یا همان فشار بیرونی شکل می‌گیرد. نقطه مطلوب زمانی است که فشار درونی و فشار اجتماعی هم‌زمان ایجاد شوند. در چنین شرایطی، افراد با درونی‌سازی حجاب طی فرایند جامعه‌پذیری

به عینیت‌بخشی و بیرونی‌سازی حجاب اسلامی ترغیب خواهند شد. شکل‌گیری چنین فرایندی در جامعه به هماهنگی و کارآمدی میان نهادها و سازمان‌های گوناگون فرهنگی اعم از دانشگاه، حوزه، وزارت ارشاد، صداوسیما، بسیج، سازمان‌های نظارتی مانند ناجا و قوه قضائیه بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که حجاب پدیده‌ای اجتماعی است که تحت تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اقلیمی می‌باشد. چندعلیتی بودن پدیده حجاب موجب شده است که برای کنترل آن به راهکارها و برنامه‌های منسجم و هماهنگ میان نهادها و سازمان‌های حکومتی نیاز باشد. از آنجاکه حجاب از چهار سطح باور، ارزش، هنجار و نماد تشکیل می‌شود، برای کنترل و تغییر آن باید از برنامه‌هایی برای کنترل این چهار لایه استفاده کرد.

حجاب واقعیتی اجتماعی است که به دو صوت ذهنی و عینی در جامعه نمود می‌یابد، به طوری که عینیت پدیده حجاب اسلامی به تقدم شکل‌گیری ذهنیت آن بستگی دارد. به عبارتی، تا زمانی که حجاب

به‌عنوان باور و ارزش در افراد درونی نشود، امکان عینیت یافتن آن در جامعه وجود ندارد. برای شکل‌دهی پدیده حجاب و ایجاد توافق عمومی با هدف سوق‌دهی جامعه به نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب باید سه مرحله بیرونی‌سازی، درونی‌سازی و نهادی‌سازی صورت پذیرد. مرحله بیرونی‌کردن با ارائه الگو و قواعد هنجاری مشخص و صریح در زمینه نوع و میزان حجاب در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی انجام می‌شود. در مرحله عینیت‌بخشی، واقعیت‌های اجتماعی جدید در زمینه رفتار و پوشش مبتنی بر ارزش‌های اسلامی به وجود می‌آید. در مرحله درونی‌سازی نیز با درونی‌سازی ارزش‌های اساسی و مبنایی حجاب، مانند عفاف، واقعیت اجتماعی آن تثبیت و گسترش می‌یابد.

برای طی شدن برونی‌سازی، عینیت‌بخشی، درونی‌سازی و درنهایت، نهادی‌سازی نیاز به برخی برنامه‌ها و راهکارهای عملی نظیر آموزش و جامعه‌پذیری، ارتقای بینش و معرفت، ارزش‌گذاری و قاعده‌مندی، فشار اجتماعی به همراه شناخت موقعیت محیطی و دوره سنی و بهره‌گیری از توانمندی ابزارهایی

مانند رسانه‌های جمعی، نظارت، نهادهای آموزشی نظیر خانواده، مدرسه و دانشگاه است. انجام دادن راهکارها و برنامه‌های نهادی‌سازی فرهنگ حجاب نیازمند انسجام درونی میان نهادها و سازمان‌های مسئول است. در میان راهکارهای موجود، مکانیزم شناختی یا همان افزایش بینش و آگاهی بخشی

از ویژگی ثبات و دوام بالاتری نسبت به دیگر راهکارها برخوردار است. نقطه مطلوب برای شکل‌گیری حجاب اسلامی در جامعه، تلفیق فشار درونی با فشار اجتماعی است، به طوری که نهادینه‌سازی حجاب در جامعه بدون این دو فرایند با ابهام روبه‌رو خواهد شد.

کتابنامه:

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی [شیخ صدوق] (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا. تهران، جهان.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر.

امامی، سیدمجید و دیگران (پاییز ۱۳۹۳). «شبكة عوامل، زمینه‌ها و راه‌حلی‌های مسئله حجاب در دانشگاه‌های ایران، بایسته‌های برنامه‌ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه‌ای»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، س ۴، ش ۳، ص ۴۵۲-۴۷۸.

انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ سخن، تهران، سخن.

بنی‌هاشمی، محمدحسین (۱۴۲۴ق). توضیح المسائل مراجع، قم، اسلامی.

حق‌شناس، سیدجعفر (۱۳۸۶). «حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، س ۹، ش ۳۶، ص ۵۱-۸۹.

خضرنجات، حمید (۱۳۶۹). مفاهیم جامعه‌شناسی، شیراز، اسوه.

دزی، ر. پ. آ (۱۳۵۹). فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه حسینعلی هروی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: آل علی علیه السلام.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۵). لغت‌نامه فارسی دهخدا، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

ریتزر، جورج (۱۳۸۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.

زاهدی، عبدالرضا و دیگران (پاییز ۱۳۸۹). «روش قرآن کریم در نهادینه‌سازی عفاف و حجاب (با رویکرد

- ترتیب نزول»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۳، ش ۴۹، ص ۵۱-۹۹.
- شوکتی، آیت و فاطمه حاجی قاسملو (۱۳۹۰). «حجاب در ملل، ادیان و مذاهب»، فصلنامه زن و فرهنگ، س ۲، ش ۷، ص ۹۵-۱۰۷.
- صمدانیان محسن و فردوس میریان (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «علل ناهنجاری و روش کنترل آن از دیدگاه نهج البلاغه». حدیث پژوهی، س ۳، ش ۵، ص ۱۲۴.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران، ناصر خسرو.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۶). «نقش دولت در نهادینه‌سازی حجاب»، کتاب زنان، ش ۳۸.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران، دارالکتب.
- گلابی، سیاوش (۱۳۷۶). اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تهران، میترا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۶). «تحلیل اجتماعی مسئله حجاب»، کتاب زنان، ش ۳۸، ص ۹-۳۶.
- محمدزاده، علی و زهرا سلیمانی (۱۳۸۴). زن، حجاب و حقوقی دیگر نگاهی دیگر، تهران، فردوس.
- مختارپور، مجید و اسدالله گنجعلی (تابستان ۱۳۹۰). «نهادی‌سازی عفاف و حجاب در جامعه؛ رویکردی فرایندی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۷۱.
- میرزاپوری، جابر (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شکل‌گیری سبک و فرهنگ زندگی نوع‌دوستانه». مجموعه مقالات همایش ملی سبک و فرهنگ زندگی اسلامی در دنیای معاصر.
- _____ (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین بر دین‌داری فرزندان». فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۶، ش ۲.
- _____ (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهر بابل). رساله دوره دکتری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- وزیری، جواد (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر تحقیق اهداف در صنایع دفاعی از منظر یادگیری و رشد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع).
- Berger, P. L. & Luckmann, T (1976:) The Social Construction of Reality, A Treatise in The Sociology of Knowledge, New York' Penguin.

جنایات دولت‌های امریکا علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی

حسین میرچراغ خانی*

چکیده

در دوره معاصر زخم‌های بزرگی از سوی مستکبران بر پیکر ملت ایران وارد شده که بیانگر ماهیت استکبار و بی‌ثمر بودن سازش با مستکبر است. امروزه دولت امریکا نماد استکبار است. از سال ۲۳۳۱ با کودتای ۸۲ مرداد جنایات‌های امریکا علیه ملت ایران شروع شد و با پیروزی این ملت بر رژیم سلطنتی و وابسته پهلوی، دولت امریکا در سطح بین‌الملل با تمام قدرت در مقابل انقلاب اسلامی ملت ایران قرار گرفت. امریکا به دلیل از دست دادن منافع خود، به شیوه‌های گوناگون، اعم از دخالت مستقیم و غیرمستقیم، علیه ملت ایران دست به جنایت زد و بدیهی‌ترین قوانین و عرفیات دیپلماتیک را زیر پا گذاشت. اقدامات امریکا علیه ملت ایران متعلق به یک دولت، حزب یا فرد خاصی نیست، بلکه ماهیت نظام سیاسی امریکا ماهیتی استعماری است

*. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، پژوهشگر پژوهشکده علوم سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) - @mir20

و نمی‌توان از امریکا انتظاری غیر از این در رویارویی با انقلاب‌ها و دولت‌های مستقل داشت. با توجه به توطئه‌های بی‌وقفه امریکا علیه ملت ایران، در این مقاله، به چرایی دشمنی امریکا با ملت ایران و چند نمونه از مصادیق جنایات امریکا علیه ملت و انقلاب اسلامی ایران اشاره شده است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ایران، امریکا، جنایت، استعمار، توطئه.

مقدمه

ايران که از دخالت‌های انگليس و شوروی به تنگ آمده بود، درصدد استفاده از قدرت سومی برای تحت فشار قرار دادن و مقابله با دخالت‌های اين دو دولت برآمد. امريکا قدرت سومی بود که ايران می‌توانست با کمک آن به دخالت‌های انگليس و روس پایان دهد. ازسوی ديگر، امريکا با کنار گذاشتن سياست انزواطلبی فرصت را برای عرض اندام در محيط بين‌الملل و دخالت در کشورها مناسب دید و با مشاهده امتیازهایی که ايران آن زمان به روس و انگليس داده بود، در پی امتیازگیری از کشورمان برآمد و برای اين کار، ابتدا تلویحاً از سياست‌های ملی دولت ايران حمايت کرد؛ به طوری که می‌توان به حمايت از ايران در سازمان ملل در مقابل شوروی برای بازپس‌گیری آذربایجان و موافقت اولیه با ملی شدن صنعت نفت ايران در مقابل انگليس اشاره کرد. امريکا با اين اقدامات نظر مساعدی در ايران به دست آورد، ولی زمان زیادی نگذشت که گوی استعمار و دخالت را از انگليس و شوروی ربود و از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تاکنون ملت ايران چیزی جز جنايت، خيانت،

دخالت، شیطنت، توطئه، تهديد و تحريم از امريکا ندیده است. پيش از ذکر برخی از مصاديق جنايت‌های امريکا عليه ملت و انقلاب اسلامي ايران، به اجمال، به چرایی دشمنی آنان با انقلاب اسلامي و ملت ايران اشاره می‌کنيم:

الف) هویت اسلامی و انقلابی ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران

یکی از دلایل دشمنی امريکا عليه ملت و نظام جمهوری اسلامي ايران، نوع نظام سياسی حاکم در ايران است. اضافه شدن واژه «اسلامي» در کنار واژه «جمهوری» موضوعی است که برای استکبار جهانی پذيرفتنی نيست، زیرا چنین نظامی می‌تواند تبليغات سنگين امريکا برای ناکارآمدی نظام‌های اسلامي را نقش بر آب کند. عبارت «جمهوری اسلامي» بيانگر ساختار و محتوای نظام حاکم بر جمهوری اسلامي ايران است و امريکا می‌کوشد بخش دوم نظام، يعنی «اسلاميت»، را به چالش بکشد. در واقع، عامل اصلی دشمنی امريکا با نظام حاکم بر ايران، اسلامي بودن اين نظام است، نه بهانه‌هایی مانند حقوق بشر، بمب هسته‌ای و موشک‌های دوربرد. مقام معظم